شیطان بر خوردنِ غذایی دست می یابد که نام الله متعال بر آن برده نشود؛ شیطان این دختربچه را بر سرِ این غذا آورد تا به وسیله ی او بر آن دست یابد. لذا من دستِ دختربچه را گرفتم. سپس این صحرانشین را آورد تا به وسیله ی او به این غذا برسد؛ از این رو من دستِ صحرانشین را گرفتم؛ سوگند به ذاتی که جانم در دستِ اوست، دستِ شیطان با دستِ این دو نفر در دست من است (و توانایی شریک شدن در غذا را ندارد).

از حذیفة بن یمان رضی الله عنهما روایت است که می گوید: وقتی با رسول الله صلی الله علیه وسلم بر سرِ غذایی حاضر می شدیم، تا زمانی که ایشان شروع نمی کرد، دست به سوی غذا نمی بردیم. باری با او بر سرِ غذایی حاضر شدیم که دختربچه ای با سرعت آمد؛ رفت تا دستش را در غذا قرار دهد - و غذا بخورد - اما رسول الله صلی الله علیه وسلم دستش را گرفت. آنگاه صحرانشینی آمد؛ او نیز تُند می آمد، گویا او را به جلو می راندند. رسول الله صلی الله علیه وسلم دستِ او را هم گرفت و سپس فرمود: «إِنَّ الشَّيطَانَ يَستَحِلُّ الطَّعَامَ أَن لاَ يُذْكَرَ اسمُ الله -تَعَالَى- عَلَيه، وَإِنَّهُ جَاءَ بِهَذِهِ الجَّارِيَة؛ لِيَستَحِلَّ بِهَا، فَأَخَذتُ بِيَدِهَا؛ فَجَاءَ بِهَذَا الأَعرَابِي؛ لِيَسْتَحِلَّ بِهِ، فَأَخَذتُ بِيَدِهِ، والَّذِي نَفسِي بِيَدِهِ، إِنَّ يَدَهُ فِي يَدِي مَعَ يَديهِمَا»: «شیطان بر خوردنِ غذایی دست می یابد که نام الله متعال بر آن برده نشود؛ شیطان این دختربچه را بر سرِ این غذا آورد تا به وسیله ی او بر آن دست یابد. لذا من دستِ دختربچه را گرفتم. سپس این صحرانشین را آورد تا به وسیله ی او به این غذا برسد؛ از این رو من دستِ صحرانشین را گرفتم؛ سوگند به ذاتی که جانم در دستِ اوست، دستِ شیطان با دستِ این دو نفر در دست من است (و توانایی شریک شدن در غذا را ندارد)». آنگاه بسم الله گفت و شروع به خوردن کرد.

[صحیح است] [به روایت مسلم]

حذیفة بن یمان رضی الله عنهما می گوید: وقتی با رسول الله صلی الله علیه وسلم بر سرِ غذایی حاضر می شدیم، تا زمانی که ایشان شروع نمی کرد، دست به سوی غذا نمی بردیم. و این به دلیل احترام زیادی بود که برای رسول الله صلی الله علیه وسلم قائل بودند؛ روزی صحابه با رسول الله صلی الله علیه وسلم بر سر غذایی حاضر می شوند که چون وقت غذا خوردن فرا می رسد، دختربچه ای با سرعت می آید گویا کسی او را هُل می دهد و می دود؛ و سعی دارد بدون اینکه بسم الله بگوید، دست در غذا برده و از آن بخورد؛ اما رسول الله صلی الله علیه وسلم دستش را می گیرد؛ پس از او صحرانشینی به همین ترتیب می آید و قصد دارد دست در غذا برده و بدون بسم الله از آن بخورد که رسول الله صلی الله علیه وسلم دستش را می گیرد؛ سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد شیطان بود که آن دختربچه و صحرانشین را آورد؛ به این معنا که آنها را وسوسه کرد و آنان را به حاضر شدن بر سر این غذا وادار نمود تا بسم الله نگویند و از این طریق به غذا دست پیدا کند؛ اما آن دو نفر به دلیل جهل شان به این مساله معذور بودند؛ دختربچه به سبب بچگی اش و صحرانشین به علت صحرانشین بودنش؛ اما شیطان آنها را بر سر این غذا حاضر کرد تا چنانچه بدون بسم الله شروع به غذا خوردن کنند، با آنها در غذا شریک شود. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم سوگند یاد می کند که دست شیطان به همراه دست آن دو نفر در دست ایشان می باشد.